

از مهر تامسیح

علی ربیع‌زاده

آیین مهرپرستی یا میترایسم یکی از ادیان ایران باستان است که هزاران سال پیش در بین آریایی‌ها رواج داشته است، این دین پس از ظهور آیین زرتشت با آن ترکیب شد و در هیاتی جدید به حیات خود ادامه داد.

چگونگی زایش این دین و اعتقادات پیروان آن در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است و نظریه‌های متفاوتی در این باره ارایه شده است. مطابق یکی از این آرا که موافق آیین زرتشت است، ایزد میترا از بانوی باکره‌ای به نام آناهیتا زاده شده است. مطابق این نظر هنگامی که آناهیتا در دریاچه‌ی هامون مشغول شست و شوی خود بود از نطفه‌ی زرتشت پیامبر که در این دریاچه ریخته شده و به وسیله‌ی فرشتگان محافظت می‌شد باردار می‌شود و پس از مدتی میترا به دنیا می‌آید.

بنابر روایات رومی، میترا از داخل یک صخره سنگ‌زاده می‌شود، در حالی که در یک دستش مشعلی را حمل می‌کند و در دست دیگرش خنجر جری دارد. هنگامی که میترا زاده می‌شود، دو چوپان برای پرستش وی می‌آیند که دو مشعل در دست دارند. یکی مشعلش را به سمت آسمان می‌گیرد که نشانه‌ی فرستادن ارواح انسان‌های پاک به بهشت است و دیگری مشعلش را به سمت زمین نشانه می‌گیرد، که نشانه‌ی فرستادن ارواح پلید به دوزخ است.

میترا پس از تولد با برگ‌های درخت انجیر بدن خود را می‌پوشاند و از میوه‌های آن می‌خورد تا نیرومند و تنومند شود تا بتواند رسالتش را بر روی زمین به انجام برساند. یکی از وظایف میترا کشتن گاو مقدس است، او گاو را در چراگاهی می‌یابد و پس از کشاندن او به سمت یک غار، به کمک سگ نگهبانش و کلاغ، که پیک خورشید است، گاو

را به دام می‌اندازد و با خنجری می‌کشد، با ریختن خون گاو بر روی زمین گیاهان و جانوران سودمندی شروع به رشد می‌کنند و زمین را می‌پوشانند. پس از این ماجرا نخستین زن و مرد آفریده می‌شوند و میترا سرپرست و آموزگار آنها می‌شود.

هم‌زمان با گسترش نسل انسان‌ها، اهریمن، نیروهای بدی را بر روی زمین می‌فرستد تا انسان‌ها را فریب بدهند و گمراه کنند، اما میترا با همه‌ی دسیسه‌های اهریمن مبارزه و آنها را ختثا می‌کند.

میترا پس از پایان کار خود در این جهان مادی در ضیافتی به نام شام آخر به همراه نزدیکانش شرکت می‌کند و سپس به وسیله‌ی ارابه‌ای که با چهار اسب کشیده می‌شود به سوی آسمان عروج می‌کند و در این عروج روحانی خود از هفت طبقه‌ی آسمان می‌گذرد و در هر طبقه به ارواح نیکوکاران کمک می‌کند تا با کم کردن علایق و سبک کردن گناهان خود به طبقات بالاتر آسمان صعود کنند، سرانجام میترا به طبقه‌ی هفتم می‌رسد و با ذات احدیت یکی می‌شود.

مطابق آیین میترایسم هنگامی که جهان به پایان می‌رسد خداوند آتشی را به کوهی زمین می‌فرستد که با این آتش همه‌ی بدکاران و پلیدان می‌سوزند و از بین می‌روند ولی آتش چون به طور طبیعی پاک است انسان‌های پاک را نمی‌سوزاند.

داوری ارواح در روز واپسین نیز برعهده‌ی میتراست، ارواح باید از روی پلی به نام پل چینوت (پل صراط) بگذرند (پلی که از مو باریک‌تر و از تیغ تیزتر است). ارواح پاک چون سبکبارند به راحتی از روی این پل می‌گذرند و میترا آنها را به جایگاه پدر آسمانی (بهشت) راهنمایی می‌کند و ارواح خبیث که گناهکارند از روی پل سقوط می‌کنند و به قعر دوزخ می‌افتند.

کیش مهر در اثر جنگ‌هایی که بین ایرانیان و یونانیان (یا رومیان) در می‌گرفت به مرور زمان به اروپا راه یافت و پس از مدتی با آیین‌های باستانی آن سرزمین مخلوط شد و چهره‌ای دیگر گرفت، این دین پس از مدتی از آن‌چنان قدرتی برخوردار شد که جای همه‌ی خدایان رومی را گرفت، به طوری که در زمان امپراتوری، دیوکلسین، به عنوان دین رسمی این کشور شناخته شد، اما پس از مدتی با قدرت گرفتن آیین مسیحیت، آیین مهرپرستی اندک‌اندک عقب‌نشینی کرد: مسیحیان، مهرپرستان را هرکجا که می‌یافتند،

می‌کشتند و مهرابه‌های آن‌ها را به آتش می‌کشیدند و یا با انداختن اجساد مردگان به درون مهرابه‌ها (که مهرپرستان آن‌ها را نجس می‌دانستند) موبدان را از داخل مهرابه‌ها بیرون می‌رانند.

یولیانوس، آخرین امپراتوری بود که به یاری این دین شتافت او با وجود این‌که در خانواده‌ای مسیحی بزرگ شده بود، در نوجوانی بر اثر مکاشفه‌ای که برایش روی داد، مانند اجداد خود به آیین مهرپرستی گروید و در سال ۳۶۱ میلادی این دین را به عنوان دین رسمی کشورش اعلام کرد، با روی کار آمدن یولیانوس آیین میتراپی رونق دوباره‌ای گرفت. اما عمر یولیانوس کوتاه بود و پس از مرگش مسیحیان دوباره قدرت گرفتند و به کشتار میترایان پرداختند و این بار برای همیشه این دین را از صحنه رقابت بیرون راندند.

– هرچند مسیحیان به ظاهر توانستند بر مهرپرستان چیره شوند و آیین آن‌ها را نابود کنند ولی شکل و هیات اصلی میترایسم همچنان باقی ماند و در قالب دین مسیحیت دوباره به حیات خود ادامه داد. از سنت‌ها و نشانه‌های آیین میترایسم که در دین مسیحیت نفوذ کرده و برخی از آن‌ها تا به امروز باقی مانده است می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱- نماد ماهی یکی از نشانه‌های میتراپی است که در سده‌های اولیه‌ی مسیحیت به عنوان نشانه‌ی عیسویان شناخته شد.

۲- غسل تعمید که در بین مسیحیان رایج است، در حقیقت ریشه‌ای میتراپی دارد که مطابق آن مهرپرستان، نوباوگان و نوآموزان دینی را با عَسَل، غُسل می‌دادند و وارد دین مهر می‌کردند.

۳- شکل ساخت کلیساها و همانندی شگفت آن با خرابه‌ها و مهرابه‌های میتراپی.

۴- شمایل‌سازی مریم باکره و فرزندش مسیح و تشابه آن با شمایل آناهیتا باکره و فرزندش میترا.

۵- میترا هنگام تولد مورد ستایش شبانان قرار می‌گیرد و حضرت مسیح نیز هنگام تولد مورد ستایش شبانان قرار گرفت.

۶- جای‌گزینی روز تولد حضرت مسیح با روز تولد میترا در آغاز زمستان.

۷- نواختن زنگ و ناقوس در مهرابه‌های میتراپی که در کلیساها نیز رواج پیدا کرد.

۸- همسرایی دسته جمعی موسیقی در مراسم عبادی میترایان که در کلیساها نیز

رایج شد.

۹- دوازده صورت برج فلکی که از یاران میترا بودند تبدیل به دوازده حواری عیسا مسیح شدند.

۱۰- میترا میانجی بین خدا و بشر است و در آیین مسیحیت، عیسا به عنوان میانجی شناخته می شود.

۱۱- نشانه‌ی چلیپا که نماد و نشانه‌ی میترایان است در آیین مسیح به صورت صلیب به کار برده می شود.

۱۲- در آیین میترا به موبد، پدر گفته می شود و به موبد موبدان، پدر پدران گفته می شود که این دو عنوان در کلیسا نیز به کار برده می شود.

۱۳- در آیین میترایسم میترا پس از خوردن شام آخر با هوادارانش، به سوی آسمان عروج می کند و در کیش مسیحیت نیز حضرت عیسا پس از خوردن شام آخر با پیروانش (پس از مصلوب شدن) به آسمان عروج می کند.

۱۴- مهرپرستان لباس ارغوانی رنگ می پوشیده اند و امروزه پاپ نیز همین لباس را می پوشد.

سرچشمه ها:

- ۱- گنجینه‌ی تاریخ ایران، نوشته‌ی عبدالعظیم رضایی، تهران: اطلس، ۱۳۷۸.
- ۲- آیین مهر، نوشته‌ی هاشم رضی، تهران: بهجت، ۱۳۸۱.
- ۳- تاریخ کامل ایران باستان، نوشته‌ی میترا مهرآبادی، تهران: افراسیاب، ۱۳۸۰.
- ۴- ایران باستان، نوشته‌ی نادر سعیدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۵- ایران و تمدن ایرانی، نوشته‌ی کلمان هوار، برگردان حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- ۶- امپراتوری ایران، نوشته‌ی دان ناردو، برگردان مرتضا ثاقب فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
- ۷- روح بالدار: پژوهشی در اندیشه‌ی زندگی پس از مرگ در ایران باستان، نوشته‌ی محمدرضا پورحقانی، تهران: موسسه‌ی فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۷.
- ۸- پژوهشی در اساتیر ایران، مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۶۲.
- ۹- اصل و نسب دین‌های ایران باستان، عبدالعظیم رضایی، تهران: مروی، ۱۳۷۴.
- ۱۰- ماهنامه‌ی حافظ، نیمه‌ی دوم بهمن ۱۳۸۴، صفحه‌ی ۶۱ و ۶۲.